

خیال پردازی و تاثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی کودکان و روند تحصیلی آنها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

دکتر شهلا رضایی^۱

دکتری مدیریت آموزشی، استاد دانشگاه فرهنگیان

فائزه بیگلری

دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

زهرا دژداری

دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

چکیده

رویا پردازی یا خیال پردازی حالتی از ذهن است که توجه ما از کاری که به صورت فیزیکی یا ذهنی در حال انجامش بودیم؛ منحرف شده و مشغول چیز دیگری میشود. رویا پردازی ممکن است در مورد اتفاقاتی در گذشته، زمان حال یا حتی آینده ما باشد. در این پژوهش به بررسی خیال پردازی و تاثیرات آن بر روند تحصیلی و زندگی کودکان میپردازیم همچنین مطالب و منابع این مقاله از سایت‌های مختلف مثل پرتال جامع علوم انسانی و نور مگز استفاده شده است. شیوه‌های مدرن تدریس توجه و هرچه بیشتر در به کارگیری قوه تخیل و فراگیران است که گاهی تحت عنوان روش تدریس آینده‌نگر نیز مطرح شده و یا با آن ارتباط گاهی نزدیکی دارد بدین صورت که قدرت عظیم تخیل در مغز کودکان محور کار قرار گرفته و می‌توان با طرح سوال‌ها و مسائل به گونه‌ای تحریک کننده و قابل توجه زمینه علاقه مند شدن کودکان به حل مسئله پیشرو و در نتیجه بروز خلاقیت‌ها افزایش اعتماد به نفس و کسب روی حل مسئله را فراهم ساخت.

واژگان کلیدی: زندگی فردی، تدریس، تحصیل، مدرسه، خیال پردازی، رویا

مقدمه

خیال پردازی نوعی تخیل انفعالی و یا تخیل آزاد و بی قید و شرط و نوعی صحنه پردازی ذهن است که در آن عقل وارد نقش ندارد و در داوری و اظهار نظر آن کنترلی نیز هرگاه که ذهن کودک امری عقلانی خالی بماند خیال پردازی آن را پر میکند در خیال پردازی کودک تا به آرزوهای خویش است و واقعیت ها را به گونه ای دیگر درک می کند و ممکن است فردی مورد قبول نباشد ولی تصورش این است که همه او را دوست دارند و با این تخیلات خوشایند می پوشد خود را شاد و خرسند نماید آنچه را که اختیار می کند مقرون به حقیقت نیست و اغلب بصورت فریب دادن خود را دارد و تنها اثرش این است که نقش مسکن را برای آدم ایفا می کند گویی همه آرزوها و تمایلات ارزان شده و در عالم خیال ارضا شدند و در حال برآورده شدن هستند.

دانشمندان پیشوایان دین، شعرا و کارشناسان فنی، اشارات زیادی به خیال و قدرت آن داشتند روزنامه لوموند پانزدهم در دسامبر از قول بلانش می نویسد اگر تخیل و گاهی با هم جمع شوند کارهای زیادی می توان انجام داد

تحلیلگر سیاسی و اقتصادی ژ.ژ. شرایر می گوید ما در جنگ به کمک دلار نفت فولاد و حتی به کمک ماشین های مدرن موفق نمی شویم بلکه به کمک تخیل آفریننده و شایستگی در سازماندهی که پیروز می شویم.

در داستان های تخیلی خود مواردی را مطرح می کند که در زمان وی دسترسی به آنها امکان پذیر نبود و در نظر بسیاری از افراد موضوعاتی خنده آور و دست نیافتنی بوده است ولی شک نیست که تصورات وی در تحریک افکار محققین و سند نگاران عامل بسیار تاثیر گذار برای تحقق ایده های وی بوده است.

قوه تخیل انواع مختلف را شامل می شود که مهمترین آنها در بحث ما می پردازیم:

■ تخیل منفعل

■ تخیل آزاد

تخیل منفعل هنگام به وجود می آید که در ذهن فرد را کودک تصاویر خود به خود به وجود

می‌آوریم و اینکه خواسته‌ها و اراده بستگی ندارد اجرا نمی‌شود تخیل آزاد یا فعال نویس تخیل است که فردا با اراده خود را به صورت خود خواسته جوانب و عوامل مورد نیاز را در ذهن خود به شکل‌ها پدیدار می‌سازد.

در دنیای خیالات کودکان برخی از اشیا را جاندار می‌پندارد و به همین دلیل در عالم خیال خود را با آن حرف می‌زنم بازی می‌کنند دعوا می‌کنند و به طور کلی در این حالت کودک خود را تسلیم و تصورات و خیال‌پردازی خود می‌کند مشاهده می‌شود که خود را به جای شخصیت‌های معروفی داستان می‌گذارد و یا خود را بزرگترین چیزی که هست می‌نگارد تخیلات کودکان کرانه و مرز مشخصی ندارد آنها در خیال خود داستان‌های مفصل تر می‌سازد و آنچه در عالم خیال است به آن نرسیدند در عالم خیال برای خود تصور می‌کنند البته در اینجا از تصاویری که در ذهن او به وجود می‌آید می‌توان به میزان و توان قوه‌ی تخیل کودک پی برد همچنین استفاده از استقلال‌های جادویی و تخیلی برای توضیح واقعیت‌های مهم در این دوره کامل رواج دارد که چرا کودک نمی‌تواند به صورت کامل و دقیق روابط علت و معلولی بسیاری از مسائل را به خوبی بر اساس ملاک‌های واقعی درک کند و به جستجو کشف علت بر می‌آید در این دور از کودکان داستان‌ها و فیلم‌ها و کارتون‌های خیالی را بسیار دوست دارند زیرا رسیدن به شخصیت‌های خیالی این داستان‌ها و فیلم‌ها به خواسته خود موجب لذت کودک می‌شود زیرا وی در عالم حقیقت به آن دست پیدا نخواهد کرد و جالب اینکه حساس ماجراجویانی که از را شنیدن افسانه‌ها در کودکی را می‌شود برای بسیار مطلوب و خوشایند و دلپذیر از همچنین برخی از اوقات طفل بدون توجه به جهان اطراف خود عالمی از خیال فرو می‌رود و تنها خود را ملاک و میزان اموال می‌داند در عالم خیال خود را به هر نقشی در می‌آورد نقش پدر مادر معلم و ناگفته نماند که در خیال پردازی اگر ضد تعادل تجاوز نماید برای انسان یک شناخت کاذب به وجود می‌آورد و موجب دوری از واقعیت‌های دنیای خارج است احتمال دارد پرواز کودک در عالم است یا وسیله‌ای باشد برای سرگرمی و به راستی راه یافتند و نفوذ به عالم خیال کودکان بسیار شیرین است چرا که خیال فرو می‌رود تا به آن تصویری داد خود برسد.

تمامی کودکان از جمله کودکان استثنایی و کودکان نابینا ناشنوا همگی مجهز هستند به سلاح قوه تخیل پسر کدام از این کودکان که در کلاس های درس نقاشی موسیقی شعر معلم و مربی را شکار می کنند و می دانند و در مراحل و مکان مختلف از آن بهره مند می شوند و تا حدودی مسائل و مشکلات خود را با بهره ای از همین گنجینه رمز گشایی میکند.

بخش اول: تخیل و تدریس

در جمله شیوه های مدرن تدریس توجه و هرچه بیشتر در به کارگیری قوه تخیل و فراگیران است که گاهی تحت عنوان روش تدریس آینده نگر نیز مطرح شده و یا با آن ارتباط گاهی نزدیکی دارد بدین صورت که قدرت عظیم تخیل در مغز کودکان محور کار قرار گرفته و می توان با طرح سوال ها و مسائل به گونه ای تحریک کننده و قابل توجه زمینه علاقه مند شدن کودکان به حل مسئله پیشرو و در نتیجه بروز خلاقیت ها افزایش اعتماد به نفس و کسب روی حل مسئله را فراهم ساخت بطور مثال: در حل مسئله ۲+۲ مشکل دارد به حل این مساله از خود نشان می دهد می توان به جای قرار دادن ناگهانی کودک در موقعیت ها برای حل چنین مسئله ای است که خیلی کمک گرفت و صورت سوال را به گونه ای دیگر بازگو کرد بدین ترتیب که سفینه برای سفر به کره ماه دو شب که سوخته است اما فضانورد متوجه می شود که به دو شبکه دیگر سوخت احتیاج دارد اگر دو شبکه دیگر به او بدهیم این سفینه خورشید سوخت خواهد داشت و خواهیم دید که کودک با اشتیاق و هیجانی و تصور سفینه و شبکه های سوخت می پردازد و با علاقه به سوال ها پاسخ خواهند داد

بند اول: خیالبافی در کودکان

این یک واقعیت است که کودکان در سنین پیش از دبستان علاقه بسیار زیادی به بازی ها و موضوعات تخیلی پیدا می کنند. زندگی یک کودک در سن پیش از مدرسه، از محدودیت های بسیار تشکیل شده به طوری که او بر اساس نظر پدر و مادر خود زندگی می کند. در واقع کودک به بازی های خیالی علاقه دارد زیرا می تواند آن طور که می خواهد باشد و زندگی کند؛ خارج از قید و بندها و محدودیت هایی که والدین برای او تعیین کرده اند. هیچ کودک ۳ ساله ای اجازه ندارد که به تنهایی از خانه خارج شود، به تنهایی غذای دلخواه

خود را بخورد و حتی لباسی را که دوست دارد بخرد. در این سن، کودک کاملاً به والدین خود وابسته است البته می‌تواند اظهار نظر کند اما تصمیم‌گیری اصلی و قطعی با والدین است. پس کودکان هنگامی که با مکان‌های تازه یا تجربه‌های جدید روبه‌رو می‌شوند از شیوه‌ای متفاوت استفاده می‌کنند، آن‌ها قوه تخیل خود را به کار می‌برند. زمانی که به یک کودک ۴ ساله اجازه می‌دهیم تا به تنهایی به مدرسه برود و برگردد او احساس می‌کند که یک فرمانده است و سوار بر اسب از یک قلعه به قلعه دیگر در حرکت است. زندگی یک کودک ۴ ساله خیلی معمولی و خسته‌کننده به نظر می‌رسد اما اگر تصور کند که یک مامور آتش‌نشانی است حس می‌کند مثل یک قهرمان زندگی می‌کند. خیال‌پردازی کودکان اهمیت زیادی دارد زیرا یک کودک علاوه بر این که می‌تواند زندگی خود را تغییر دهد و شرایط تازه‌ای را برای خود خلق کند، از شرایط تازه‌ای که ایجاد کرده می‌تواند دانستی‌های جدیدی نیز بیاموزد. به طور مثال وقتی که یک کودک ۴ ساله کلاه آشپزی بر سرش می‌گذارد، پیش‌بند آشپزی می‌بندد و تصور می‌کند که آشپز است، احساس استقلال و مسوولیت‌پذیری سبب می‌شود که به اطراف خود توجه بیشتری داشته باشد، همراه با پدر و مادر خود آشپزی کند، موادی را که استفاده می‌کند به خاطر بسپارد و از این که هر بار بر دانسته‌های خود می‌افزاید، خوشحال شود.

بزرگسالان از دنیای پیرامون خود اطلاعات زیادی به دست می‌آورند و برای فراگیری بیشتر، تجربیات خود را نیز مورد استفاده قرار می‌دهند؛ اما کودکان از استعدادی برخوردارند که لازم است توسط والدین پرورش یابد. آن‌ها با به کارگیری قوه تخیل خود نه تنها دانستی‌های تازه‌ای از دنیای اطراف خود به دست می‌آورند بلکه می‌توانند آن‌طور که دوست دارند باشند و زندگی کنند. از آنجا که مهارت‌های کلامی کودک در سنین پیش از مدرسه هنوز چندان پیشرفت نکرده است به سختی می‌توان فهمید که او دقیقاً به چه چیزی فکر می‌کند، اما می‌توان نشانه‌های تخیل او را در تقلید کردن‌های او از آنچه که در اطرافش می‌بیند، تشخیص داد، این رفتارها عموماً بین ۱۸ تا ۲۰ ماهگی شکل می‌گیرد، کودک شما ممکن است دقیقاً کارهایی را که شما انجام می‌دهید تقلید کند، برنامه روزانه‌ای را که برای او ریخته‌اید روی عروسک‌هایش پیاده کند به آن‌ها غذا بدهد یا آن‌ها را بخواباند. از این رو تخیل قوی در کودک بسیار بیشتر از

آنچه که والدین فکر می کنند می تواند در مسیر زندگی به او کمک کند . متخصصان کودک بر اهمیت ۳ سال اول زندگی بسیار تاکید می کنند، چرا که هر کاری که والدین انجام می دهند از بازی کردن تا خوردن و راه رفتن و کتاب یا شعر و آواز خواندن به مغز او کمک می کند تا فعالیت بیشتری انجام دهد. هرگاه کودک خود را در برابر تصاویر، صداها و حس های جدید قرار دهید در واقع مغز او را در برابر دنیایی بزرگ تر و هیجان انگیزتر قرار داده اید. هنگامی که تخیل خود را به همراه او به کار گیرید، مثلاً بگویید نگاه کن من یک ببر هستم، توی یک جنگل بزرگ یا فرض کن می خواهیم به خانه مادر بزرگ برویم در واقع مغز او را وادار می کنید تا پیوندها و مسیرهایی تشکیل دهد که به ایجاد خلاقیت و تخیل در او منجر خواهد شد .

بند دوم: تأثیرات خیال پردازی کودکان

معمولاً دامنه لغات کودکانی که به بازی های تخیلی علاقه نشان داده یا به داستان ها و کتاب هایی که دیگران برایشان می خوانند، گوش می دهند، بسیار وسیع تر است . از سوی دیگر، نقش بازی کردن و وانمود کردن این امکان را برای کودک فراهم می کند تا آن کسی باشد که دوست دارد احساسات منفی اش را کشف و بررسی کند، چیزهایی را که تاکنون یاد گرفته تمرین کند و اوضاع را به آن صورتی که دوست دارد دریاورد، حتی با داستان های خود می تواند در شرایط خاص جلوی ترس را بگیرد و آن را کنترل کند . همچنین رویا پردازی پیرامون موقعیت های تخیلی نحوه تفکر خلاقانه را به کودک آموزش می دهد و می تواند یک ابزار بسیار مفید در فرایند حل مساله توسط کودک باشد، افرادی که در زمان خردسالی دارای تخیلی قوی هستند، معمولاً این قابلیت را در بزرگسالی حفظ می کنند و در نتیجه نتایج بهتری در فرایندهای حل مسائل به دست می آورند . به عنوان نمونه در طول زندگی افرادی که در کودکی تخیل قوی تری داشتند مشخص کردند که این افراد هنگام برخورد با چالش ها یا مشکلات غیرمترقبه می توانند از منابع و گزینه های بیشتری برای پیدا کردن راه حل مناسب استفاده کنند .

بخش دوم: موانع خلاقیت و خیال پردازی کودکان

یکی از موانع بروز خلاقیت در کودکان ناآگاهی پدر و مادر با این واژه است چرا که این عدم شناخت سبب می شود هیچگاه والدین نتوانند برای پرورش و شکوفایی خلاقیت کودک خود برنامه ریزی و اقدام صحیح کنند پس ناخواسته استعداد های کودکان را هدر می دهند . از جمله موانع دیگر، ایجاد رقابت میان کودکان است . به طور معمول اگر کودکان احساس کنند که کار آنها توسط والدین ارزش گذاری خواهد شد یا به بهترین کار جایزه یا پاداش می دهند بیشتر از آن که به انجام بهتر کار بیندیشند به کسب آن جایزه فکر می کنند ضمن این که گاهی این رقابت ها به ستیزه جویی میان کودکان تبدیل می شود و سبب می شود تا آنها نتوانند از توانایی ها و استعدادهای واقعی خود استفاده کنند .

در فرهنگ هایی که به جنسیت کودک اهمیت می دهند ناخواسته علایق و خلاقیت های کودکان از یاد می رود یکی دیگر از این موانع تاکید بیش از حد والدین بر هوش و حافظه کودک است . بسیاری ناآگاهانه کودک خود را فقط با هدف تقویت مهارت های حافظه ای تربیت می کنند و برای حافظه و هوش کودک اهمیت زیادی قائل هستند . آنها نمی دانند که تنها اطلاعات عمومی و داشتن حافظه قوی برای تکامل و رشد فکری کودک کافی نیست به همین خاطر از پرورش سایر توانمندی های ذهنی کودک غافل می مانند .

تاکید بر جنسیت کودکان هم از جمله این موارد است و مانع مهم در رشد خلاقیت کودکان می شود . در فرهنگ هایی که به جنس کودک اهمیت می دهند ناخواسته علایق و خلاقیت های آن کودکان نیز زیر پا گذاشته می شود .

والدینی که در خانه قوانین دست و پاگیر و خشک برقرار می کنند نظیر درس خواندن راس ساعت معین یا خوابیدن راس فلان ساعت، کودک را کم کم دچار قالبی تکراری می کنند که این رفتارهای کلیشه ای کاملاً متضاد با رشد خلاقیت است . ارزیابی پی درپی با رفتارهای کودک و زیر ذره بین بردن او امنیت خاطر کودک را مختل می سازد و ترس از اشتباه را در وی تقویت می کند و چنانچه ترس در کودک حال مرضی پیدا کند آن وقت جرات ابراز هرگونه اندیشه جدید و انجام کارهای خلاق در وی از بین می رود .

بخش سوم: بررسی مبانی نظری

شاید باورتان نشود عدم وجود حس شوخ طبعی در محیط منزل از موانع بروز خلاقیت است. شوخ طبعی به رشد خلاقیت کودک کمک می کند. اما در خانواده هایی که فضای زندگی آن ها خشک و رسمی است زمینه ای برای بروز حس شوخ طبعی کودک به وجود نمی آید و در نتیجه در چنین محیطی بسیاری از کشش های خلاقانه کودک پنهان می ماند. بسیاری از والدین علاقه مندند که کودکان سریع رشد کنند و دوران کودکی را پشت سر بگذارد و حتی سعی می کنند با کودک خود همانند بزرگسالان رفتار کنند. تحمیل نقش های بزرگسالی به کودکان روند رشد اجتماعی آن ها را مختل می سازد و سبب بروز رفتارهای نابهنجار می شود. پس بهتر است به جای سختگیری و رسمی بودن، سن و سال کودکان را درک کنیم و با او مثل آدم بزرگ ها رفتار نکنیم. اما اگر بخواهیم تخیل فرزندان شکوفا شود می توانیم در منزل جایی را برای تغییر لباس اختصاص دهیم. جایی که در آن لباس های قدیمی، وسایل شخصی «مانند کلاه، کتاب های جیبی، هدیه های قدیمی و ...» را نگهداری کنید. (مداد های شمعی، وسایل آبرنگ، کاغذ نقاشی و چسب را در دسترس کودکان قرار دهیم. داستانی را برای کودک خود تعریف کنیم. لباس یکی از شخصیت های داستان را بپوشیم و با کودک خود، براساس داستان بازی کنیم. اگر داستان را کودک شما تعریف کند بهتر است. می توانید موضوع آن را با مراسم عروسی، جشن تولد یا اتفاق های دیگری که در زندگی خود با آن ها سر و کار دارید مرتبط سازید. تعدادی ملحفه یا پتو در دسترس کودک قرار دهیم تا بتواند خانه درست کند و یا بازی های خیالی دیگری را طراحی کند. حتی می توانیم کودک خود را تشویق کنیم که با اسباب بازی های سازنده و ابتکاری بازی کند، مانند اسباب بازی هایی که با کمک قطعه های مختلف می توان ماشین، خانه، هواپیما و ... ساخت. همچنین می توانیم قصه های موزون و آهنگین را برای فرزندان بخوانیم و به نوبت اشعار آن را تکرار کنیم.

در این میان باید در حد امکان زمان بیشتری را با کودک خود در طبیعت سپری کنیم. محل هایی که برای ساختن آن ها انسان دخالتی نداشته است، برای رشد قوه تخیل کودک بهتر

است. زمانی که فرزندمان، ما را به دنیای خیالی خود دعوت می‌کند، دعوت او را بپذیریم، با او سوار قایق شویم، سوار بر سفینه فضایی در فضا پرواز کنیم و در همه موارد رهبری بازی را برعهده فرزندمان بگذاریم. همچنین در بین اسباب بازی‌های کودک تعدادی گوش ماهی، سنگ‌های مختلف، چسب، تخته، بند، سکه، طناب و سایر وسایلی که می‌تواند مورد استفاده او قرار بگیرد، قرار دهیم و هنگامی که با خیال پردازی کودک‌کان روبه رو می‌شویم، او را سرزنش نکنیم و به او اجازه دهیم تا آنچه در ذهن خود دارد بیان کند.

بخش چهارم: تاثیر خیالبافی بر شناخت دانش آموزان

بر خلاف اندیشه شایع خیالبافی در مواردی می‌تواند مفید باشد تا حدی که عده‌ای آن را عادت بد و یا نشانه اختلال هیجانی نمی‌دانند و معتقدند حالت عادی هشیاری است. فواید آن: پاره‌ای از تمایلات او ارضا شده تلقی می‌شود و زمینه برای تخلیه هیجانات فراهم است.

گاهی کودک در سایه خیالبافی خود را به لذایت می‌کشاند و خود را به هدف رسیده تلقی می‌کند. خیالبافی گاهی به کودک آرامش و سکون می‌دهد زیرا عالم خیال محدودیتی ندارد و آدمی در پرواز خیال خود را اقناع می‌کند مثلاً "خود را در خلال جشن و برنامه حاضر می‌بیند. خیالبافی بهانه‌ای است برای کاهش اضطراب و ظاهر کردن احساس حقیقی و رفع تعارض. وسیله خوبی برای گذراندن وقت برای کودک است و زمان آن برای طفل لذت بخش است. عامل نجات از رنج و آلام و احساس بی‌کفایتی است.

اگر جهت پیدا کنند شاعران و نویسندگان خوبی می‌شوند و آثار خلاقه از خود بروز می‌دهند. در حل عقده‌های روانی کمک کار خوبی برای کودک است.

در جنبه بدنی، حرکتی:

افراد خیالباف در جنبه بدن زیان‌هایی می‌بینند از جمله اینکه:

از فعالیت‌های بدنی عقب می‌افتند زیرا بی‌حرکت در جایی می‌نشینند و در عالم انزوای خویشند و از حرکت و جنب و جوش دور می‌مانند.

بازی و حرکت که در رشد افراد شدیداً مؤثر است در آنها وجود ندارد و حتی حال و هوای بازی با دیگران را ندارند.

بخش پنجم: پیشینه تحقیق

پژوهش تبیین رفتار نوجوانان بر اساس خیالپردزای با هدف تبیین رفتار اخلاقی در نوجوانان براساس دانش فراشناخت اخلاقی با توجه به تفاوت های جنسیتی انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان خرم آباد است که از میان آنها ۲۵۰ نفر ۱۲۵ پسر و ۱۲۵ دختر بر اساس روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش نامه‌های فراشناخت اخلاقی و رفتار اخلاقی را تکمیل کردند. سپس داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون و آزمون تی مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که فرضیه اول رد و دو فرضیه دیگر تأیید شدند. به این معنی که دانش فراشناخت اخلاقی خیالی دانش آموزان نمی‌تواند رفتار اخلاقی آنها را پیش بینی کند. اما در رفتار اخلاقی و سه مؤلفه‌ی فراشناخت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین لازم است در بررسی رفتار اخلاقی نوجوانان در جستجوی عوامل دیگر به خصوص عوامل غیرشناختی بود و در آموزش اخلاق به نوجوانان و کمک به تحول اخلاقی مثبت در آنها به تفاوت های جنسیتی هم توجه داشت. و همچنین در نظر گرفت که خیالپردزای بر رفتار آنان اثر دارد. پرسش از وجوه تمایز و تشابه دو رویکرد، محور اساسی بررسی این مطالعه است. روش پژوهش تطبیقی است. یافته‌های پژوهش حاکی از تمایز بین دو رویکرد، در توصیف و تبیین مبانی و ریشه‌های اولیه دینداری است. از منظر روان شناختی، ریشه‌های اولیه دینداری ناشی از برابند تجارب کودک با محیط پیرامونی و خیال پردازی‌ها و خیالبافی کودکان بر اساس محیط پیرامون است. از منظر اسلام نیز، ریشه‌های اولیه دینداری را باید در فطرت به معنای عشق به خیر و سعادت مطلقه پی جویی کرد، برابند تجارب کودک با محیط پیرامونی، تنها زمینه رشد یا انحراف از فطرت را فراهم می‌کند. در زمینه چگونگی شکل گیری دینداری، وجه تشابه دو دیدگاه، تأکید بر ایجاد محیط زیست امن، پویا و پاسخ گو برای رشد مطلوب دینداری است. هر دو دیدگاه، بر ثبت تجارب کودک -والدین در نظام روانی کودک و تأثیر این تجارب بر دینداری در آینده تأکید دارند.

خیالباف قدرت و نیروی خود را صرف خیالبافی می‌کند، در نتیجه توان آن را ندارد و یا

نمی‌کوشد برای خواسته‌های خود اندیشیده و آنها را جامه عمل بپوشاند. در برابر عقاید مختلف می‌ماند و توان دفاع از فکر خود را پیدا نمی‌کند. در نتیجه با همه لذتی که از این امر برای او حاصل می‌شود باید آن را از خطرناکترین حالات برای افراد به حساب آورد.

خیالبافی تا سنین ۴ سالگی امری عادی است و طفل را در دنیائی که برای خود ساخته سرگرم می‌دارد تا حدی که او گمان دارد در عالم واقع و حقیقت است. در ضمن این حالت برای او نوعی مکانیسم دفاعی است که در کاهش اضطراب و رهایی او در واقعیت‌های رنج آور مؤثر است. ولی ادامه آن اندیشه و تعقل کودک و درک رابطه علت و معلولی او را از کار می‌اندازد و از توجه به واقعیت دور می‌دارد. همین امور باعث می‌شوند که او بعدها در اجرای وظایف و تطابق خود با شرایط جامعه و قبول مسئولیت وامانده شود. تداوم خیالبافی زمینه را برای بروز بیماری اسکیزوفرنی در کودکان فراهم می‌سازد و این امر همچنان در فرد ریشه دار شده و در سنین بعدی برای او گرفتاری می‌سازد. او را چنان در رؤیا فرو می‌برد که از جهان واقعی دور مانده و نمی‌تواند پایه پای رشد به پیش رود.

اینکه چه انگیزه‌ها و عواملی سبب می‌شوند که خیالبافی در کودکان پدید آمده و پا بگیرند از عوامل متعددی باید نام برد که به ظاهر چیزهای مهمی نیستند ولی در عمل برای کودک سرنوشت سازند. آن عوامل بسیار و از آن جمله اند:

- محرومیت‌ها
- شکستها
- عامل فقر
- عامل حسادت
- احساس حقارت
- ترس شدید
- احساس گناه

پیشنهادهات

روی پردازی پیرامون موقعیت های تخیلی نحوه تفکر خلاقانه را به کودک آموزش می دهد و می تواند یک ابزار بسیار مفید در فرایند حل مساله توسط کودک باشد. بیهوده شمردن تخیلات کودک نیز از جمله موارد دیگر است که مانع رشد خلاقیت وی می شود. تخیل کودک اساس خلاقیت اوست و چنانچه تخیلات در رویاهای کودک را با بی توجهی، تمسخر یا بیهوده انگاشتن روبه رو سازیم در واقع سرچشمه خلاقیت او را خشکانده ایم. به بیان دیگر محکوم کردن خیال پردازی کودکان و وادار کردن او به واقع بینی امری کاملاً اشتباه است. سعی کنیم علایق درون کودک را بشناسیم. بسیاری از کودکان از علایق و کشش های خود نسبت به موضوعات و پدیده های پیرامون اطلاع روشنی ندارند یا این که نمی توانند آن را به زبان بیاورند. این موضوع باید در همان دوران کودکی مورد توجه والدین باشد.

نتیجه گیری

تخیل مورد تأیید است نه خیالبافی، آن یک عامل خلاقیت و این یک عامل هدر و اتلاف. طفل از طریق سخن ها، گفتار و رفتار، و هم از طریق بازی و در برخورد با اشیاء وضع خود و حالت خود را در این زمینه نشان می دهد. خیالبافی باید اصلاح شود ولی برای آن به خود پریشانی راه ندهید. زیرا روانشناسانی چون لوکار خیالبافی را در نزد اطفال امری طبیعی می دانند و اگر بدون ضایعه عضوی باشد برای آن نگرانی ندارند. در عین حال باید بدانیم از نظر علمی آن خیالی خوب است که آدمی را به نتیجه ای مطلوب برساند نه آنکه او را مشغول سازد و یا آرامشی تصنعی ولی بی ریشه برای انسان پدید آورد. سپردن مسئولیت و واداشتن به کارهای عملی مخصوصاً "در سنین ۴۷ به عقیده گزل می تواند آدمی را از خطری که در انتظار اوست رهائی بخشد

منابع و مآخذ

- حسینی، سید مهدی، مشاوره والدین در مسایل تربیتی و تحصیلی فرزندان، چاپ اول، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- چیکست، راتوند، ویلن، نوجوانان با استعداد، ریشه‌های موفقیت و شکست، ترجمه، پارسا، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۴.
- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، نشر آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
- شاملو، سعید، بهداشت روانی، انتشارات رشد، چاپ هشتم، ۱۳۶۹.
- فرقانی، رئیسی، شهلا، شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش - چاپ اول، ۱۳۷۲.
- کاظمی حقیقی، ناصرالدین، روانشناسی کودکان تیز هوش، انتشارات سایه نما، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- کرومبولتز، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه: یوسف کریمی، انتشارات فاطمی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- گالاگر، آموزش کودکان تیز هوش، ترجمه: مهدی زاده و رضوانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- میلانی فر بهرو، روانشناسی کودکان نوجوانان استثنایی، نشر قومس، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

